

# حکم سبّ شخص غیرمتأثر از آن، در فقه جعفری

هادی عظیمی<sup>۱</sup>

## چکیده

حرمت سبّ و توهین، در بین فقهای مذهب جعفری حکمی قطعی است، ولی در این بین، مواردی برای جواز سبّ از سوی فقها ذکر شده که یکی از آنها سبّ شخص است که از سبّ تأثیر نمی‌پذیرد، که برای جدا کردن این مورد از حکم حرمت، به دلیلی مناسب از منابع معتبر نیاز داریم. این تحقیق با هدف شناخت حکم سبّ و فحش اشخاص بی‌اعتنا به این اهانت در گفتار و بررسی ادله‌ی این مورد، انجام شده است و نیل به این مقصد در سایه‌ی توصیف و تحلیل گزاره‌های فقهی با گردآوری داده‌های کتابخانه، میسر است که نتیجه‌ی آن تبیین جواز یا عدم جواز سبّ کسی که از سبّ تأثیر نمی‌پذیرد، در فقه جعفری است.

**واژگان کلیدی:** سبّ، شخص غیر متأثر از سبّ، استثنائات حرمت سبّ.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ ه.ش

---

۱. طلبه پایه دهم مدرسه شهیدین علیه السلام قم.

رایانامه: hadiazimi7777@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۸۶۷۶۹۹۷۶



## ۱. مقدمه

سبّ مؤمن طبق ادله‌ای که در جای خود مورد بحث واقع شده در فقه جعفری حرام است و حرمت آن قطعی است، اما با جستجو در منابع فقهی به مواردی برمی‌خوریم که از حکم حرمت استثنا شده‌اند و سبّ و شتم جایز شمرده شده است؛ از جمله این موارد که در جواز یا حرمت محل اختلاف فقها واقع شده است، سبّ و توهین به شخصی است که به هر دلیلی از این توهین تأثیر نمی‌پذیرد؛ به خصوص که این مورد از اموری است که در بعضی از گفتگوها به صورت عملی عادی انجام می‌شود، مثل گفتگوهایی که بعضاً بین گروه‌های دوستانه صورت می‌گیرد و یا کلماتی که بین بعضی از خانواده‌ها رد و بدل می‌شود و یا کلماتی که استاد در مواقع عصبانیت نسبت به شاگرد به کار می‌برد و همچنین موارد متعدد دیگری از این قبیل که در حالات مختلف ممکن است رخ دهد. بررسی این فرد از موارد جواز سبّ و آشنایی با آن علاوه بر کمک کردن بر حفظ زبان از گناهان کلامی، می‌تواند ما را از آراء و ادله فقها در این زمینه با خبر گرداند و موجب آگاهی بیشتر پیرامون مسئله سبّ و فحش و موارد جواز آن گردد و از سویی تمرین و نرمشی در بررسی ادله فقهی باشد. در بحث از جواز یا عدم جواز سبّ شخص غیرمتأثر، اگر چه در مورد بحث فقهی سبّ، تحقیقاتی انجام شده و برخی نویسندگان، کتاب‌هایی را به رشته تحریر درآورده‌اند<sup>۱</sup> و به استثنائات از حرمت سبّ؛ از جمله بحث سبّ شخصی که از سبّ آزرده نمی‌شود نیز اشاراتی شده است، اما چیزی که نویسنده این مقاله به دنبال آن است، مراجعه مجدد به منابع و تتبع بیشتر برای نیل به پاسخ دقیق‌تر و کامل‌تری در این زمینه است. در این مقاله، بعد از تبیین مفاهیم اساسی، از جمله سبّ و تمایز آن با واژگان مشابه، و با بررسی دو قول جواز یا حرمت سبّ شخصی که از آن تأثیر نمی‌پذیرد و بررسی ادله‌ی هر دو طرف، به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

## ۲. مفاهیم اساسی تحقیق

در این بخش به توضیح لغات مورد استفاده در بحث، از جمله مفهوم لغت سبّ و واژگان نزدیک به آن و مفهوم عدم تأثیر از سبّ، می‌پردازیم.

۱. کتاب سبّ و لعن از منظر فقه مذاهب اسلامی، مهدی درگاهی.

## ۱-۲. مفهوم سبّ و تمایز آن با واژگان مشابه

با جستجو در اصطلاحات فقهی، به لغاتی بر می‌خوریم که شباهت ظاهری زیادی به کلمه لفظ دارند. در اینجا به معنای سبّ و مقایسه اجمالی آن با سایر واژه‌های همگون، می‌پردازیم.

### ۱-۱-۲. مفهوم سبّ در لغت و اصطلاح

سبّ در لغت به معنای شتم (جوهری، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۴۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۳۰؛ ابن منظور، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۵)، دشنام، ناسزاگویی و سخن زشت درآورد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۹۱) آمده است.

در اصطلاح فقهی نیز معنای سبّ را به عرف ارجاع داده‌اند، البته به این شرط که لفظ سبّ همراه با قصد اهانت و نقص باشد. همچنین سبّ را آنچه که اقتضای نقص طرف مقابل را داشته، یا اینکه موجب تحقیر شخص شود نیز بیان کرده‌اند، لذا هر معنایی که داخل در نقص باشد؛ مانند حقیر، سگ، کافر، پست، مرتد، جذامی و... نیز شامل لفظ سبّ خواهد بود (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۴ و ۲۵۵).

### ۲-۱-۲. تمایز سبّ با واژگان مشابه

در این قسمت برخی از واژگان نزدیک به واژه‌ی سبّ را ذکر کرده و معانی آنها را به صورت اجمالی، مقایسه می‌کنیم.

### ۱-۲-۱-۲. لعن

واژه‌ی لعن مصدر است و به معنای عذاب کردن، (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۴۱) سبّ، (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۵۰) نفرین و دعا بر علیه، (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۵۵) طرد نمودن و دور کردن (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۲۵۲) و دور کردن از خیر (جوهری، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۲۱۹۶) آمده است.

البته همان‌طور که از ظاهر این معانی می‌توان برداشت کرد، معنای دورکردن از خیر، همه معانی دیگر را نیز در بر می‌گیرد، و جامع آن معانی دیگر نیز هست و در مقایسه با معنای لعن با سب، باید گفت که سبّ، مطلق گفتار و اشاره و... است که موجب اهانت و توهین باشد که ممکن است این معنا در بعضی از مصداقی لعن، یافت شود.





در نتیجه می‌توان گفت نسبت بین سب و لعن، عموم و خصوص من وجه است و وجه اشتراک آنها در موردی است که سب برای دور کردن شخص از خیر باشد.

### ۲-۲-۱-۲. قذف

قذف در لغت به معنای انداختن، گذاشتن و رها کردن آمده است (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۵۹) و در اصطلاح فقهی عبارت است از این‌که به مرد یا زن، تهمت و نسبت زنا یا لواط زده شود، (ترحینی عاملی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۲۹۷) به طوری که نتوان آن را با بینه ثابت کرد. با این توضیح مشخص می‌شود که قذف، معنایی خاص‌تر از سب دارد و یکی از مصادیق کلامی است که به قصد اهانت، بیان می‌شود، چرا که قذف، به خاطر نسبت ناروایی که در آن هست، همواره با اهانت و ایراد نقص به طرف مقابل است.

### ۲-۲-۱-۲. فحش

فحش در لغت، قول یا فعلی است که زشت و قبیح باشد، (مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۱) و در اصطلاح فقهی به خاطر وضوح معنایی که برای فحش وجود دارد، بیشتر در توضیح کلمات دیگر استفاده شده است؛ مثلاً در توضیح معنای هجر، آن را به فحش تعبیر کرده‌اند<sup>۱</sup> (روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۲۹) یا لفظ فحش را هم ردیف قول قبیح، قرار داده‌اند.<sup>۲</sup> (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۲۱)

پس با این توضیح می‌توان گفت که فحش و هجر نیز معنایی نزدیک به سب دارند. البته با توجه به توضیحی که برای سب داده شد، سب وقتی تحقق پیدا می‌کند که قصد اهانت و نقص در آن نهفته باشد، لذا فحش و هجری که این قصد در آن وجود داشته باشد، همان سب خواهد بود.

### ۲-۲-۱-۲. هجاء

هجاء در لغت به دو معنا ذکر شده است:

۱. هر چیزی که خلاف مدح باشد؛ (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۵۳۳)

۱. لا خلاف بین المسلمین فی حرمة الهجر و هو الفحش و القول القبیح.

۲. المسألة الثامنة والعشرون الهجر - بالضم - و هو الفحش من القول و ما استیح التصريح به منه.

۲. کلام خلاف مدحی که به صورت شعر باشد. (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۴۸؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۶۳۵)

اگر معنای اول را در نظر داشته باشیم، معنای هجاء عام‌تر از معنای سبّ خواهد بود، ولی اگر معنای دوم را در نظر داشته باشیم، معنای خاص‌تری نسبت به سبّ خواهد داشت.

## ۱-۲-۵. جمع بندی

در نتیجه باید توجه داشت که بعضی از اصطلاحات ذکر شده، در معنای سبّ داخل می‌شوند و به صورت متقابل حکم یکدیگر را دارا هستند. و همان‌طور که ذکر شد، نسبت بین سبّ و لعن عموم خصوص من وجه است، و نسبت سبّ و قذف، عموم خصوص مطلق، و قذف خاص‌تر از سبّ است. و نسبت بین سبّ و فحش، عموم خصوص مطلق است که اگر قصد اهانت در فحش باشد، همان سبّ خواهد بود. و نسبت بین هجاء و سبّ هم طبق یک معنا از هجاء، از سبّ عام‌تر خواهد بود و طبق معنای دیگر آن، از سبّ خاص‌تر خواهد بود.

## ۲-۲. شخص متأثر

برای واضح شدن مقصود از شخص متأثر در این مقاله، به دو جهت از این مورد اشاره می‌شود؛ یک جهت، توضیح در مورد نحوه تأثیر پذیرفتن فرد مورد سبّ است و جهت دیگر، در مورد مؤمن یا عدم مؤمن بود این شخص است:

## ۱-۲-۲. قید تأثیر

منظور از شخص متأثر در بحث ما به دو گونه است: یکی، تأثر در خود شخص؛ به این صورت که کسی نسبت به اتفاقی تأثیر پذیرفته و متغیر شود و فرقی نمی‌کند که این تغییر درونی باشد؛ مثلاً فرد شکسته دل شود، اما در ظاهر چیزی را بروز ندهد، یا اینکه این تغییر ظاهری باشد و در خارج مشخص شود؛ مانند اینکه شخص به شدت عصبانی شود و به مقابله به مثل بپردازد و یا اینکه تأثر و تغییر هم درونی باشد و هم بیرونی.

و مورد دیگر، تأثر در اجتماع و در عرف، که فرد به خاطر توهین و سبّ، از لحاظ عرفی حقیر و مورد نقص واقع شود. بحث ما در هر دو مورد است.





## ۲-۲-۲. قید مؤمن

در این مقاله، منظور از شخصی که از سب تأثیر می‌پذیرد، فردی است که مؤمن است، لذا بحث از حکم سب اهل سنت یا کافر حربی یا ذمی یا سب منافق یا بدعت‌گذار و مواردی از این قبیل، در بحث ما داخل نیستند.

## ۳. اصل لفظی در حرمت سب

این مطلب فارق از قیود سب و همچنین قید عدم تأثیر است و صرف بیان حکم سب مومن، به صورت یک اصل لفظی است که در اینجا آن را به صورت اجمالی بیان می‌کنیم، تا حکم کلی و فی الجملة سب برای خواننده روشن باشد و سپس بحث قید عدم تأثیر را پی می‌گیریم.

سب مومن به ادله اربعه حرام است: (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۳)

(دلیل از آیات): از آن‌جا که سب مؤمن ظلم و ایذاء و اذلال است (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۳) آیاتی که حرمت ظلم کردن و ایذاء مؤمن و اذلال دیگری را به اثبات می‌رساند، بر حرمت سب نیز دلالت دارد. همچنین آیه شریفه «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» نیز بر این حرمت دلالت دارد؛ چرا که سب از مصادیق قول زور و باطل است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۱۸؛ روحانی، ۱۴۳۵ ق، ج ۲۱، ص ۶۴)

(دلیل از روایات): روایات زیادی نیز بر حرمت سب دلالت دارند که به علت اختصار فقط یک مورد را ذکر می‌کنیم.

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ وَأَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ وَحُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ»؛ امام باقر عليه السلام فرمود: که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است: دشنام‌گوئی بمؤمن نافرمانی است، و جنگیدن با او کفر است، و خوردن گوشتش (بوسیله غیبت) گناه است، و احترام مال مؤمن مانند احترام خون اوست (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۳۶۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۹ ش، ج ۴، ص ۶۴)

(دلیل عقلی): همچنین عقل مستقلاً حرمت ظلم و ایذاء و اذلال را درک می‌کند. (روحانی، ۱۴۳۵ ق، ج ۲۱، ص ۶۴) و زمانی که سب از مصادیق این سه شد، به ملازمه حکم میان عقل و شرع، حرام خواهد بود؛

صغری: سبّ مؤمن ظلم به او است. کبری: ظلم قبیح است. نتیجه: سبّ مؤمن قبیح و به حکم ملازمه، حرام است.

و نیز صغری: سبّ مؤمن ایذاء و اذیت کردن او است. کبری: ایذاء قبیح است. نتیجه: سبّ مؤمن قبیح و به حکم ملازمه، حرام است.

و نیز صغری: سبّ مؤمن اذلال و خوار کردن او است. کبری: اذلال عقلاً قبیح است. پس: سبّ مؤمن قبیح است. (محمدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۵)

(دلیل اجماع): همچنین برخی از علما ادعای اجماع مسلمین بر حرمت سبّ مؤمن را هم ذکر کرده‌اند. (خونی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳۵، ص ۴۲۹)

با این توضیح، اصل لفظی و حرمت فی الجمله سبّ مؤمن مشخص شد، که سبّ و توهین به مؤمنین حرام است و شکی در آن نیست. حال با در نظر گرفتن این اصل، آیا وارد شدن قیود دیگری در موضوع سبّ، باعث تغییر حکم می‌شود، یا اینکه حکم حرمت در جای خود باقی است؟ قیودی مثل: متجاهر به فسق بودن مخاطب سبّ و یا بدعت‌گذار بودن او و یا قیده‌های استثنا شده دیگر که مورد بحث ما نیست و قید عدم تأثیر که مورد بحث ماست.

#### ۴. اقوال در مسأله

قیدی که اینجا مورد بحث ماست، تأثیر نپذیرفتن شخصی است که مورد سبّ واقع شده است؛ به طور مثال سبّ معلم نسبت به متعلم و دانش آموز خود که بعضی اوقات موجب ناراحتی او نیست و یا مانند اشخاصی که بین حرف‌های دوستانه‌ی خود حرف‌های توهین آمیز را مورد استفاده قرار می‌دهند، ولی به خاطر رابطه‌ی دوستی که بین آنها وجود دارد از این توهین‌ها متأثر نمی‌شوند و یا مانند سبّ پدر و مادر نسبت به فرزند که در بعضی موارد فرزند به گفتار ناسزای پدر و مادر خود عادت کرده و از آن متأثر نمی‌شود. در این حالات آیا باز هم سبّ، عمل حرامی است و یا اینکه حکم آن تغییر می‌کند؟ در اینجا اقوال و ادله‌ی دو طرف را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا بتوانیم به نتیجه‌ی مطلوب برسیم.

#### ۴-۱. قول به حرمت

عده‌ای از فقها، به حرمت سبّ شخص غیر متأثر قائل شده‌اند؛ مانند: شیخ انصاری مگر در جایی که مولا در مقام تأدیب، عبد خود را مورد سبّ قرار دهد (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱،





ص ۲۵۵ و ۲۵۶) و عده‌ای دیگر از معاصرین. (خونی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳۵، ص ۴۳۶؛ روحانی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۳۷۹)

## ۴-۲. قول به جواز

در مقابل، عده‌ای دیگر از فقها، قول جوازِ سبِّ شخص غیر متأثر را پذیرفته‌اند. البته در این مورد، کلامی از فقها یافت نشد که به صراحت، حرمت را از این مورد نفی کند، و فقط کلماتی از فقها در این مورد با قیودی مطرح شده است؛ مانند شیخ که سبِّ مولا نسبت به عبد در مقام تأدیب را از حرمتِ سبِّ استثنا کرد. (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۵ و ۲۵۶) و یا برخی فقها که سبِّ غیر متأثر را در موارد استثنا شده از حرمت سبِّ نقل کرده‌اند و سپس این مورد از استثنا را با اشکالاتی، در اطلاقِ حرمتِ سبِّ داخل دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۲۰) با این توجه، استدلالاتی که در قسمت ادله‌ی جواز مطرح می‌شود، از میان بیاناتی است که در لابه لای کلمات فقها در این مورد یافت شده است.

## ۵. ادله

در اینجا به ذکر ادله و اشکالات هر دو طرف می‌پردازیم تا در نتیجه، قول صحیح مشخص شود.

### ۵-۱. ادله‌ی حرمت

سه دلیل برای حرمت سبِّ شخص غیر متأثر از سبِّ، ذکر می‌کنیم و سپس آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۵-۱-۱. عموم ادله حرمت ایذاء

آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كُتِبُوا فَقَدْ اِخْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾؛ و کسانی که مردان و زنان مؤمن را، بدون اینکه کاری کرده باشند، اذیت میکنند، قطعاً تهمت و گناه بزرگی را حمل میکنند. (احزاب، ۵۸) و روایت‌های زیادی که در مورد حرمت ایذاء وجود دارد؛ مانند: روایت هشام بن سالم که می‌گوید: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ حُجْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَأْذُنَ بِحَرْبٍ مِنِّي مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ»؛ هشام بن سالم می‌گوید، از امام صادق عليه السلام شنیدم که





می فرمودند: خدای عزوجل گفته است: هر کس که عبد مؤمن من را بیازارد، به من اعلان جنگ داده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۲۶۴) بر حرمت آزار و اذیت مؤمنین دلالت دارد و سب هم از مصادیق بارز ایذاء مؤمن است، در نتیجه سب کردن و لو اینکه تأثیر درکار نباشد از باب ایذاء مؤمن حرام است. شیخ با اشاره به همین مطلب، به موردی که فرد، به سب سب، تأثیر و تأثر عرفی ندارد، اشکال می کند.<sup>۱</sup> (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۵)

#### ۱-۱-۱-۵. اشکال به عمومیت ادله حرمت ایذاء

همان گونه که بیان شد برخی از علما همچون شیخ به عمومیت یادشده اشکال کرده اند که جایی که مسبب عرفاً تأثیر نپذیرد، دیگر آزار و اذیتی نخواهد بود تا تحت عنوان ادله ایذاء حرمت واقع شود، لذا از عموم حرمت استثنا خواهد شد. (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۵)

#### ۱-۱-۱-۵-۱. جواب اول از اشکال به عمومیت ادله حرمت ایذاء

مقتضای اطلاق حرمت سب، از جمله ادله مثبت ایذاء، بر حرمت مطلق سب دلالت می کند؛ چه تأثیری در میان باشد و چه نباشد. (خونی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳۵، ص ۴۳۶)

#### ۱-۱-۱-۵-۲. جواب دوم از اشکال به عمومیت ادله حرمت ایذاء

اینکه شخص مسبب تأثیر نپذیرد و عرفاً سب، موجب اهانت به مسبب نشود، موجب می شود که کلام متکلم از مورد و مصداق سب خارج شود و دیگر حرمتی از جهت سب وارد نباشد؛ در نتیجه استثنای مذکور منقطع است و در جایی که در اثر سب، تأثیر عرفی به وجود نیاید، حرمتی نخواهد بود و اینگونه کلامی، موضوعاً از بحث سب خارج خواهد شد. (خونی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳۵، ص ۴۳۶؛ روحانی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۳۷۹)

#### ۱-۱-۱-۵-۳. جواب سوم از اشکال به عمومیت ادله حرمت ایذاء

همان طور که در توضیح مفهوم متأثر گفته شد، تأثیر پذیرفتن به دو شکل است؛ تأثر عرفی و

۱. «و يمكن أن يستثني من ذلك ما إذا لم يتأثر المسبوب عرفاً، بأن لا يوجب قول هذا القائل في حقه مذلةً ولا نقصاً، كقول الوالد لولده أو السيد لعبده عند مشاهدة ما يكرهه: «يا حمار»، وعند غيظه: «يا خبيث»، ونحو ذلك، سواء لم يتأثر المقول فيه بذلك بأن لم يكرهه أصلاً أم تأثر به؛ بناءً على أن العبرة بحصول الذلّ والنقص فيه عرفاً. ويشكل الثاني بعموم أدلة حرمة الإيذاء.»



فردی. در مورد بحث، اگر چه مسبب عرفاً تأثیر نمی‌پذیرد، ولی احتمال تأثیر پذیرفتن به صورت فردی وجود دارد و ممکن است شخص مسبب ناراحت و اذیت شود، ولی در نظر عرف مشکلی نباشد؛ و به عبارت دیگر ممکن است مسبب، در ظاهر مورد آزار و اذیت واقع شدن خود را بروز ندهد ولی در واقع، اذیت شده باشد.

### ۵-۱-۲. عموم ادله‌ی حرمت ظلم

اگر سبّ در مورد کسی را سلب حق او بدانیم، می‌توانیم بگوییم که مورد ظلم واقع شده است؛ به این شکل که شخص مؤمن از آنجایی که دارای احترام است و باید حریم او از همه جهات حفظ شود، اگر این احترام به هر شکلی مورد ضربه واقع شود، ظلم به او تحقق پیدا خواهد کرد. فعل سبّ هم به شکل کلامی حریم مؤمن را خدشه‌دار می‌کند، هر چند تأثیر و تأثیری در میان نباشد. در نتیجه، سبّ از مصادیق ظلم خواهد بود و حرمت ظلم و عموم ادله حرمت ظلم، واضح است. (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۳)

اشکالات و جواب‌هایی که در دلیل ایذاء گذشت، در اینجا هم قابل طرح است.

### ۵-۱-۳. عموم ادله حرمت سبّ

همان‌طور که در اول مبحث سبّ کسی که تأثیر نمی‌پذیرد گفته شد، حرمت سبّ به ادله‌ی اربعه همچون روایتی که ذکر شد و روایات زیاد دیگری که در باب حرمت سبّ وجود دارد واضح است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۲۹۷) این ادله عام هستند و به تأثیر و عدم تأثیر مقید نیستند و این عموم را هم می‌توان مستند حرمت سبّ، و لو اینکه تأثیری در مسبب نباشد، قرار داد.

### ۵-۲. ادله جواز

در اینجا پنج دلیل از دلایل جواز سبّ شخص غیر متأثر را ذکر و مورد بررسی قرار می‌دهیم:

### ۵-۲-۱. عدم تأثیر عرفی

همان‌گونه که در مقام اشکال به عموم ادله ایذاء بیان شد: وقتی سبّ دارای تأثیر عرفی نباشد، دیگر سب نیست تا در عموم ادله حرمت داخل شود. (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۵ و ۲۵۶)

## ۵-۲-۱. اشکال از دلیل عدم تأثیر عرفی

همان سه جوابی که در برابر اشکال به دلیل اول حرمت آورده شد، می‌تواند به عنوان اشکال به این دلیل نیز مطرح شود. همچنین اگر بی‌تأثیر بودن، به خاطر بی‌مبالاتی خود شخص نسبت به آنچه می‌گوید یا در موردش گفته می‌شود باشد، در این صورت، خروج از تحت اطلاق حرمت، محل اشکال خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ ق، ص ۲۲۰)

## ۵-۲-۲. سبّ به عنوان تأدیب

برخی برای جواز سبّ فرزند توسط پدر و یا سبّ متعلم توسط معلم، به این استدلال کرده‌اند که این گونه سبّ‌ها علاوه بر اینکه وجه منفی ندارند، باعث تأدیب است و شخص مسبوب با این کار متوجه اشتباه خود می‌شود و حتی می‌توان گفت این سبّ، باعث افتخار شخص مسبوب است. (خوئی، ۱۴۳۵ ق، ج ۳۵، ص ۴۳۶) پس می‌توان گفت که این گونه سبّ‌ها که تأثیری در مخاطب ندارند، حرمتی هم ندارند.

## ۵-۲-۱. اشکال اول از دلیل سبّ به عنوان تأدیب

در مقام اشکال به این استدلال در کلام برخی دیگر از علما می‌خوانیم: نمی‌توان کلامی را از لحاظ مفهوم هم سبّ دانست و هم تأدیب و فخر؛ چراکه در یک مصداق قابل جمع نیستند. (خوئی، ۱۴۳۵ ق، ج ۳۵، ص ۴۳۶) پس نمی‌توان گفت که کلامی که سبّ است و در آن قصد تنقیص و اهانت وجود دارد، دارای مفهوم تأدیبی و باعث فخر نیز باشد.

## ۵-۲-۲. اشکال دوم از دلیل سبّ به عنوان تأدیب

همچنین در مقام رد این استدلال گفته‌اند: همان‌طور که در دلیل ایذاء بیان شد، اگر سبّ موجب آزار و اذیت مسبوب شود، از مصادیق ایذاء محسوب می‌شود و حرام خواهد بود و در بحث ما نیز اگر سبّ معلم یا پدر موجب ایذاء متعلم یا فرزند شود، از این جهت می‌تواند دارای اشکال باشد.

## ۵-۲-۳. فحوای ادله جواز ضرب مولا نسبت به عبد

دلیل دیگری که برای اثبات جواز سب از آن استفاده شده است از این قرار است که: مولا می‌تواند برای ادب کردن عبد خود، او را مورد ضرب و شتم قرار دهد و با وجود این جواز،





مولا به طریق اولی می‌تواند برای تأدیب عبد خود از سب استفاده کند؛ (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۶) چراکه کتک زدن عبد به مراتب بالاتر از سب اوست.

### ۵-۲-۳-۱. اشکال اول به فحوای جواز ضرب مولا نسبت به عبد

مخالفان استدلال به فحوای جواز ضرب عبد توسط مولا گفته‌اند: این طریق اولویت فقط در مورد تأدیب ثابت است، ولی نمی‌تواند سب را به طور مطلق ثابت کند.

### ۵-۲-۳-۲. اشکال دوم به فحوای جواز ضرب عبد

این دسته در مقام رد استدلال گفته‌اند: طریق اولویت مذکور دارای اشکال است، چراکه افراد زیادی وجود دارند که يك ناسزا برای آنان از هزار کتک، سنگین‌تر است. (محمدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۷۳)

### ۵-۲-۴. برداشت جواز از روایاتی مثل «أنت و مالك لأبيك»

همچنین، در مورد جواز سب گفته‌اند که: روایاتی مانند «أنت و مالك لأبيك»؛ تو و دارایی‌ات متعلق به پدرت هستید. (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷، ص ۲۶۳) دال بر این است که پدر در مورد فرزند خود می‌تواند هرگونه تصرفی داشته باشد، و از آن جمله، سب پدر نسبت به فرزند است و در این سب فرقی بین متأثر شدن یا عدم آن وجود ندارد.

### ۵-۲-۴-۱. اشکال به برداشت جواز از روایاتی مثل «أنت و مالك لأبيك»

به این روایات نیز چنین اشکال شده است که: اولاً، استفاده از این فقره روایت برای جواز هرگونه تصرف از سمت پدر نسبت به فرزند صحیح نیست، و نهایت استفاده‌ای که می‌توان از روایت کرد این است که وجود فرزند و اموالش به یمن وجود پدر و برکات اوست و این مطلب بر مقصود طرف مقابل مبنی بر جواز تصرفاتی از قبیل سب ولد توسط پدر دلالت ندارد. (شهیدی تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵) و ثانیاً، اگر این دلالت را بپذیریم، این دلیل فقط در مورد سب پدر نسبت به فرزند کاربرد دارد و نمی‌تواند بر جواز سب شخصی که از سب تأثیر نمی‌پذیرد، دلالت داشته باشد.

## ۵-۲-۵. استدلال به سیره بر جواز سبّ فرزند و متعلم

برای اثبات جواز سبّ پدر نسبت به فرزند و معلم نسبت به متعلم به سیره مستمره مسلمانان نیز استناد شده است؛ (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۶) به این صورت که از قدیم‌الایام رسم و سیره بر این استوار بوده است که پدر نسبت به فرزند یا معلم نسبت به متعلم عمل سبّ را انجام می‌داده است و این سیره می‌تواند دلیلی بر جواز سبّ باشد، چه مخاطب تأثیر پذیرد و چه نپذیرد.

## ۵-۲-۵. اشکال به استدلال بر جواز سبّ از راه سیره

به استدلال یادشده اشکال شده است که:

اولاً، چنین سیره‌ای در زمان ما ثابت نیست، (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۶) و چه بسا متعلمی که بابت سبّ معلم از او شکایت کرده و چه پدرهایی که در این زمان به فرزندان خود هیچ‌گونه توهینی نمی‌کنند.

ثانیاً، سیره دلیلی لَبّی است و طبق قوانین علم اصول فقه می‌بایست به قدر متیقن آن تمسک نمود، قدر متیقن از آن نیز صورت عدم تأذی ولد و متعلم است، پس نمی‌تواند دلیل بر جواز سبّ در این فرض باشد. (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۵۶)

ثالثاً، نهایت دلالت این سیره در صورت قبول آن، در مورد معلم و متعلم و پدر و فرزند است و در موارد دیگر، به دلیل نیاز دارد.

## ۶. جمع بندی و ارائه‌ی نظریه مختار

دو قول جواز و حرمت در مورد سبّ شخصی که تأثیر نمی‌پذیرد، مطرح شد و در مجموع سه دلیل برای حرمت و پنج دلیل برای جواز آورده شد. برای تمام پنج دلیل جواز، اشکالاتی ذکر شد. عموم ادله‌ی حرمت سبّ، ثابت‌اند و ایرادی بر آنها وارد نیست و این عمومیت حرمت، شامل سبّ شخصی که از سبّ تأثیر نمی‌پذیرد نیز هست و ادله مذکور برای خارج کردن آن از حرمت کافی نیستند و در حرمت سبّ، فرقی میان تأثیر و عدم تأثیر وجود ندارد، مگر اینکه سب، نه تأثیر فردی در خود شخص داشته باشد، و نه تأثیر عرفی و اجتماعی، که البته کلام مستعمل در این حالت، موضوعاً از بحث سبّ خارج خواهد بود و عنوان سبّ، بر آن صدق نمی‌کند؛ چراکه سبّ به معنای کلامی است که موجب نقص و اهانت باشد یا





اقتضای نقص طرف مقابل در آن باشد، حال اگر کلامی گفته شود که نه از لحاظ عرفی موجب نقص باشد و نه از لحاظ فردی برای شخص، اهانت آمیز و موجب اذواء باشد، دیگر معنایی برای سب بودن کلام و حرمت آن باقی نمی ماند.

## ۷. نتیجه گیری

ادله‌ی حرمت سب، بدون اشکال، ثابت اند و دلیل‌های مذکور برای جواز سب غیرمتأثر از سب، به علت اشکال‌های وارده بر این دلیل‌ها، نمی‌تواند ادله حرمت را مقید کند. و تأثیر نپذیرفتن مخاطب، وقتی می‌تواند حرمت را رفع کند که هیچ تأثیری در شخص ایجاد نشود، چه تأثیرات شخصی و چه تأثیرات اجتماعی و عرفی، که در این حالت که هیچ یک از این تأثیرات در مخاطب ایجاد نشده باشد، اصطلاحاً لفظ استفاده شده توسط متکلم، سب نخواهد بود و موضوعاً از بحث سب، خارج خواهد بود.

در نتیجه کلامی وجود ندارد که اصطلاحاً جزو عنوان سب باشد ولی به خاطر عدم تأثیر، از حرمت سب استثنا شده باشد و طبق بحث‌هایی که در رد ادله جواز مطرح شد، دلیل‌هایی که برای جواز این مورد از استثنا از حرمت سب بیان شد قابل پذیرش نیست، لذا به اصل لفظی اولی که بر حرمت سب مؤمن دلالت داشت باز می‌گردیم و سب شخص غیر متأثر از سب را از موارد استثنا از حرمت نمی‌دانیم.

همان‌طور که در خلال بحث از مفاهیم اشاره شد، اگر یکی از الفاظ غیر از سب، مانند فحش و مانند آن که در معنا با سب تقارب دارند، در جایی همان کاربرد و معنای سب را داشتند، حکم سب را خواهند داشت.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ ش). *النهاية في غريب الحديث والأثر* (چاپ چهارم). قم: اسماعيليان.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاييس اللغة* (چاپ اول). قم: مكتب الإعلام الإسلامي.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم (بی تا). *لسان العرب* (چاپ اول). بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۴. انصاری، مرتضى بن محمدامین (۱۴۱۵ ق). *المکاسب* (کنگره) (بی چا). بیروت: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری الثموية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاری.
۵. ترحینی عاملی، محمد حسن (۱۳۸۵). *الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية* (بی چا). بی-جا: دار الفقه للطباعة و النشر.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ ق). *الصحاح* (چاپ سوم). بیروت: دار العلم للملايين.
۷. خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق). *العین* (چاپ دوم). قم: مؤسسة دار الهجرة.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعة* (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۹. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق). *موسوعة الإمام الخوئي* (بی چا). قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن* (چاپ اول). بیروت: دارالشامية.
۱۱. روحانی، محمد صادق (۱۴۲۹ ق). *منهاج الفقاهة* (بی چا). قم: أنوار الهدی.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۳۵ ق). *فقه الصادق* (بی چا). قم: آيين دانش.
۱۳. شهیدی تبریزی، میر فتح (بی تا). *هداية الطالب إلى أسرار المكاسب* (بی چا). قم: دار الكتاب.
۱۴. صاحب بن عباد (۱۴۱۴ ق). *المحيط في اللغة* (چاپ اول). بیروت: عالم الكتب.
۱۵. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير* (چاپ دوم). قم: مؤسسة دار الهجرة.





۱۶. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۲). قاموس قرآن (چاپ ششم). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۸. محمدی، علی (۱۳۹۱). شرح مکاسب (بی جا). قم: الامام الحسن بن علی علیه السلام.
۱۹. مرکز اطلاعات و مدارك اسلامی (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه (چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۰. مصطفوی، سیدجواد (۱۳۶۹). أصول الکافی، ترجمه مصطفوی (چاپ اول). تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ ق). انوار الفقاهة (بی جا). قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام.
۲۲. مهنا، عبد الله علی (۱۴۱۳ ق). لسان اللسان (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.

